

عدالت

دکتر علی مطهری
استادیار دانشگاه تهران

عدالت در دو حوزه مورد بحث واقع می‌شود، یکی در حوزه الهیات تحت عنوان «عدل الهی» و دیگر در حوزه جامعه انسانی تحت عنوان «عدالت اجتماعی». بحث عدل الهی یک بحث کلامی است و از نخستین مسائلی است که برای متکلمان اسلامی مطرح شده است، به طوری که نوع اعتقاد به اصل عدل، فرقه‌های کلامی را از یکدیگر جدا می‌کند و اصل عدل از اصول مذهب شیعه به شمار آمده است که به همراه اصل امامت، مکتب شیعه را از مکتب اهل سنت متمایز می‌سازد. اما عدالت اجتماعی داستان دیگری دارد و به روابط انسان‌ها با یکدیگر و روابط حکومت‌ها با ملت‌ها مربوط است.

شهید آیت الله مطهری درباره عدالت در هر دو حوزه به طور مستوفی بحث کرده‌اند. کتاب «عدل الهی» ایشان که بیشتر سبک فلسفی دارد تا کلامی، عالی‌ترین معانی حکمت متعالیه در این باب با بیانی شیوا مطرح شده است، از شاهکارهای آن شهید به شمار می‌رود و در آن به بسیاری از معضلات مبحث عدل الهی پاسخ داده شده است. اما در باب عدالت اجتماعی، آن متفکر شهید در مواضع گوناگون از آثار خود سخن گفته است. از نظر استاد مطهری آن اصلی که می‌تواند جامعه را در حالت تعادل و همه اقشار را راضی نگاه دارد، عدالت است.

عدالت در مقیاس اجتماع، از «جود» بالاتر است اگر چه «جود» در مقیاس فردی از «عدالت» برتر است، چرا که عدالت به تعبیر حضرت علی (علیه السلام) هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد، اما جود، اشیا را از موضع خود خارج می‌کند و تعادل اجتماع را به هم می‌زند.

عدالت آن چنان ارزشی دارد که علی (علیه السلام) به خاطر آن سه جنگ بزرگ را تحمل کرد و سرانجام نیز به سبب شدت عدالت‌خواهی خود به شهادت رسید. از نظر آن حضرت اساساً حکومت برای برقراری عدالت و گرفتن حق مظلوم از ظالم است، در غیر این صورت از یک کفش کهنه نیز بی‌ارزش‌تر است. امام (علیه السلام) همچنین قانون عدالت را عطف به ماسبق می‌کند، زیرا حق قدیم را هیچ چیزی باطل نمی‌کند. به علی (علیه السلام) می‌گفتند آنچه درباره اجرای عدالت می‌گویی درست است اما این امر باید از امروز انجام شود، ولی ایشان نمی‌پذیرفت و می‌فرمود قانون عدالت، گذشته را هم در بر می‌گیرد و شامل اموالی می‌شود که از بیت‌المال به تاراج رفته است، حتی اگر آن را کابین زنان خود کرده باشند.

اما مهم این است که ما چه مفهومی از عدالت اجتماعی نزد خود داشته باشیم. از نظر سوسیالیستها عدالت یعنی اینکه همه مردم در برخورداری از مواهب طبیعی مانند دندانه‌های شانه مساوی باشند و از نظر نظام سرمایه‌داری سرمایه و ماشین بر اقتصاد یک جامعه حاکم است و هنر سرمایه‌دار این است که با اقدامات به موقع خود از انفجار طبقه کارگر و محروم جلوگیری کند و در واقع در این نظام، عدالت اجتماعی معنی پیدا نمی‌کند و اختلاف طبقاتی به رسمیت شناخته شده است. اما جامعه بی‌طبقه اسلامی جامعه بدون تبعیض است نه جامعه بدون تفاوت. اسلام تفاوت‌هایی را که ناشی از تفاوت تلاش‌ها و استعدادها باشد به رسمیت شناخته است و تز «کار به قدر استعداد و مزد به قدر نیاز» را که تز سوسیالیستهاست مردود شمرده و موجب توقف جامعه در اقتصاد دانسته است، زیرا این تز رقابت را از میان می‌برد و قوه ابتکار و ابداع انسان‌ها را معطل می‌گذارد، علاوه بر اینکه اساساً هر انسانی به حسب فطرت و طبیعت خود مایل است که محصول کارش متعلق به خودش باشد. در عمل نیز نظام‌های سوسیالیستی نتوانستند با سایر نظام‌های اقتصادی رقابت کنند و از پا درآمدند.

نکته آخر اینکه از نظر شهید آیت الله مطهری عدالت مقیاس دین است نه دین مقیاس عدالت. آنچه عدل است دین می‌گوید نه آنچه دین می‌گوید عدالت است، و

این نکته‌ای بسیار اساسی است و در بینش فقهی و طرز اجتهاد مجتهدان مؤثر است. از نظر فقهی که معتقد است عدالت مقیاس دین است، اگر در موضوعی هیچ حکمی در کتاب و سنت نباشد و حکم قطعی عقل بر این باشد که این موضوع مطابق یا مخالف عدالت است، آن فقیه می‌تواند بر این اساس فتوا صادر کند و فتوای او عین اسلام است و طلاق قضایی نمونه‌ای از این احکام است.

